

در زمینه‌ی سیاست، هم در زمینه‌ی معرفت دینی در محیط دانشجویی است؛ البته به کمک راهنمایان هر بخشی. شما برای کار علمی باید استاد داشته باشید، برای کار معرفت دینی باید استاد داشته باشید، برای کار سیاست هم همین‌جور است. کار را شما می‌کنید؛ او راهنمایی می‌کند. دانشگاه ما و محیط دانشجویی ما بایستی در همه‌ی این عرصه‌ها پیشرفتهای حقیقی و چشمگیری کند و این پیشرفتها را ان‌شاء... خواهد کرد.

پروردگارا! من این جوانها را که فرزندان من هستند در حقیقت، به تو می‌سپارم. پروردگارا! همه‌شان را در کنف حمایت خود و هدایت خود و لطف خود نگاه‌دار. پروردگارا! نسل جوان کشور ما را آینده‌ساز آرمانی این کشور قرار بده. پروردگارا! همه‌شان را، حرکاتشان را، جهتگیریهایشان را، اقدامهایشان را مشمول رضای خودت قرار بده. پروردگارا! جوانان ما را در توفیق علم همراه با عمل - علم جهت‌دار و ثمربخش - موفق بدار. پروردگارا! قلب مقدس ولی عصر (ارواحنا فداه) را از ما راضی و خشنود کن؛ ارواح طیبه‌ی شهدای عزیزمان و روح مطهر امام را از ما راضی و خشنود کن؛ ایران و جمهوری اسلامی را روز به روز سربلندتر و عزیزتر بفرما.

والسّلام علیکم ورحمه‌ا... و برکاته

مطالبه و اعتدال

بیانات مقام معظم رهبری

دیدار دانشجویان نخبه، برتران کنکور و فعالان تشکلهای سیاسی فرهنگی دانشگاهها

۱۳۸۶/۰۷/۱۷

بسم...الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

از دوستانی که اینجا مطالبی بیان کردند، صمیمانه و از ته دل تشکر می‌کنم؛ چه دوستانی که از سوی تشکله‌ها حرف زدند، چه دوستانی که نظرات خودشان را بیان کردند، مطالب مفیدی را به گوش ما رساندند، که برخی از این مطالب، برای من مطالب جالب توجهی بود و شاید ان‌شاء... یک اقدامی، یک حرکتی را ایجاد کند؛ لیکن از این جالبتر، این است که جوانهای ما، دانشجویان ما در زمینه‌ی مسائل گوناگون - چه مسائل دانشگاهی، چه مسائل سیاسی، چه مسائل اجتماعی - نظراتی دارند، مطالباتی دارند، مدعا دارند؛ این برای من جالب است. من بارها گفته‌ام؛ از آن روزی باید ترسید که جوان ما، دانشجوی ما در دانشگاه انگیزه‌ی طرح مسئله، طرح سؤال، طرح درخواست نداشته باشد. همه‌ی همت ما باید این باشد که این روحیه‌ی مطالبه، خواستن و مدعا داشتن در زمینه‌های گوناگون را در نسل جوان کشورمان - بخصوص جوان علمی - گسترش بدهیم. اگر این شد، ممکن است به همه‌ی آن مطالبات نتوان پاسخ داد - کما اینکه در کوتاه مدت همین‌جور هم هست؛ به همه‌ی مطالبات در کوتاه مدت یقیناً نمی‌شود پاسخ داد؛ ظرفیتها محدود است - لیکن یقیناً آینده‌ی خوب و یک افق روشن با چنین مطالباتی جلوی چشم است.

جوان باید مطالبه کند، باید احساس کند که این مطالبه سودمند است، ثمربخش است؛ و تشویق بشود بر این مطالبه و باید احساس کند که او فقط مسئولیتش طرح سؤال و پرتاب کردن یک شعار نیست، که بگوید خوب، ما کار خودمان را کردیم؛ نه، پیگیری کردن، مطالعه کردن، درباره‌ی مسئله اندیشیدن، آن را پخته کردن، راه کار اجرائی را برای آن جستجو کردن، برای

من بارها گفته‌ام؛ از آن روزی باید ترسید که جوان ما، دانشجوی ما در دانشگاه انگیزه‌ی طرح مسئله، طرح سؤال، طرح درخواست نداشته باشد. همه‌ی همت ما باید این باشد که این روحیه‌ی مطالبه، خواستن و مدعا داشتن در زمینه‌های گوناگون را در نسل جوان کشورمان - بخصوص جوان علمی - گسترش بدهیم.

کارهایی که انجام می‌گیرد، مورد تأیید من است، یا حتی من از همه‌اش اطلاع دارم؛ نه، لازم نیست. اطلاع رهبری از آن مجموعه‌ی حوادث و رویدادهائی لازم است که به تصمیم‌گیریهای او، به جهت‌گیریهای او و به انجام تکالیف و وظائف او ارتباط پیدا می‌کند، نه اینکه حالا از همه‌ی چیزهایی که در محیط دولت و محیط کار وزارتخانه‌ها اتفاق می‌افتد، باید حتماً رهبری مطلع باشد؛ نه، لازم است، نه ممکن است؛ موافقت با آنها هم لازم نیست. بعضی از اشخاص و بعضی از کارها ممکن است در مجموعه‌ی دولتی وجود داشته باشد که صددرصد مورد اعتماد و مورد تأیید ماست، اما آن کار را ما تأیید نکنیم؛ چون دلیل ندارد که رهبری وارد محیط اجرائی شود؛ به دلیل اینکه مسئولیتها مشخص است و باید مسئول، وزیر، رئیس فلان مرکز یا بنگاه فرهنگی یا اقتصادی، وظائف خودش را انجام بدهد. بنابراین ما به هیچ وجه انتقاد کردن را مخالفت و ضدیت نمی‌دانیم. بعضی تصور می‌کنند که ما چون از مسئولان کشور، از دولت محترم - که واقعاً دولت خدمتگزار و بارزشی است؛ حقاً و انصافاً. کارهایی هم که دارد انجام می‌گیرد، می‌بینید؛ کارها جلو چشم است. باید انسان بی‌انصاف باشد که اهمیت این کارها را انکار کند - حمایت می‌کنیم، این حمایت و این طرفداری، به معنای این است که انتقاد نباید کرد، یا من خودم انتقاد نداشته باشم؛ ممکن است مواردی هم انتقاد داشته باشم.

آن چیزی که ما از محیط دانشجویی‌مان انتظار داریم، پیشرفت علم، پیشرفت اندیشه‌ی سیاسی، عمق اندیشه‌ی دینی و ایمان دینی، عمق معرفت دینی و روشن‌بینی دینی، دست یافتن به قلمروهای جدید؛ هم در زمینه‌ی علم، هم در زمینه‌ی سیاست، هم در زمینه‌ی معرفت دینی در محیط دانشجویی است.

به هر حال شما آنچه که من امیدم هست در محیط دانشجویی، این است. واقعاً این‌جور هم خواهد شد؛ مطمئن باشید؛ چون انسان حرکت کلی را که سنت آفرینش است، می‌بیند؛ چرا که هر جا ایمان بود و مجاهدت دنبالش بود، نتیجه قطعی است؛ می‌بینم که خواهد شد. آن چیزی که ما از محیط دانشجویی‌مان انتظار داریم، پیشرفت علم، پیشرفت اندیشه‌ی سیاسی، عمق اندیشه‌ی دینی و ایمان دینی، عمق معرفت دینی و روشن‌بینی دینی، دست یافتن به قلمروهای جدید؛ هم در زمینه‌ی علم، هم

است. ما راجع به نخبه پروری علمی بحث کردیم، من حالا نخبه پروری سیاسی را توصیه می‌کنم. من تأیید می‌کنم که در بخشهای تبلیغات و صدا و سیما، نخبه‌های سیاسی و نخبه‌های اجتماعی باید مطرح بشوند؛ یکی از دوستان اینجوری فرمودید، که کاملاً درست است؛ مورد تأیید من است و این کار ان شاء... باید بشود؛ لیکن بخشی از نخبه پروری هم مربوط به شماسست؛ یعنی در محیط تشکلهای دانشجویی، نخبه‌های سیاسی پرورش پیدا کنند؛ فضا را آماده کنید. این دیگر دست دولت و دست محیط خارج از دانشگاه نیست؛ دست خود شماسست. از فکر، از ذهن استفاده کنید، ببینید چگونه می‌توانید محیط بحث و استدلال و ورزشیابی فکری و تقویت روحیه و تقویت امید و محکم کردن پایه‌های فکر سیاسی را در این طبقه‌ی جدیدی که بعد از شما می‌آیند، برنامه‌ریزی کنید که خاطر جمع باشیم که مجموعه‌ی دانشجویی در دوره‌ی بعد و دوره‌های بعد، همچنان در جهت همین هدفهای بلند و آرمانهای خوب پیش خواهد رفت. البته مراقب زاویه‌ها باید بود؛ کج‌رویها را بایستی دید و شناخت.

یک نکته‌ی دیگری که در دنباله‌ی آن مطالبه‌ی دانشجویی عرض می‌کنم، این است که مطالبه کردن با دشمنی کردن فرق دارد. اینکه ما گفتیم گاهی اوقات معارضه‌ی با مسئولان کشور نشود - که الان هم همین را تأکید می‌کنیم؛ معارضه نباید بشود - این به معنای انتقاد نکردن نیست؛ به معنای مطالبه نکردن نیست؛ در باره رهبری هم همینجور است. این برادر عزیزمان می‌گوید «ضد ولایت فقیه» را معرفی کنید. خوب، «ضد» معلوم است معنایش چیست؛ ضدیت، یعنی پنجه در افکندن، دشمنی کردن؛ نه معتقد نبودن. اگر بنده به شما معتقد نباشم، ضد شما نیستم؛ ممکن است کسی معتقد به کسی نیست. البته این ضد ولایت فقیه که در کلمات هست، آیه‌ی مُنزل از آسمان نیست که بگوئیم باید حدود این کلمه را درست معین کرد؛ به هر حال یک عرفی است. اعتراض به سیاستهای اصل ۴۴، ضدیت با ولایت فقیه نیست؛ اعتراض به نظرات خاص رهبری، ضدیت با رهبری نیست. دشمنی، نباید کرد. دو نفر طلبه کنار همدیگر می‌نشینند؛ خیلی هم با هم رفیقند، خیلی هم با هم باصفایند، همدرس هستند، مباحثه می‌کنند، حرف همدیگر را رد می‌کنند؛ این حرف او را رد می‌کند، آن حرف این را رد می‌کند. رد کردن حرف، به معنای مخالفت کردن، به معنای ضدیت کردن نیست؛ این مفاهیم را باید از هم جدا کرد. بنده از دولتها حمایت کرده‌ام، از این دولت هم حمایت می‌کنم؛ این به معنای این نیست که همه‌ی جزئیات

طرحش با مراکز دست‌اندرکار و مجری تلاش کردن و فعالیت کردن و بالاخره خود وارد میدان کار شدن، اینها جزء وظایف و تکالیف جوان ماست که این را هم بایستی جوان ما درک کند؛ در کنار آن مطالبه و طلبگاری و مدعا داشتن که عرض کردیم.

مطلب کلیدی‌ای که لازم است اول عرض کنم - که یکی از عزیزان، اینجا مطرح کردند - راجع به گزاره‌هایی است که درباره ارتباط رهبری و مردم در اینجا و آنجا گفته می‌شود. این چیزی که در جلسه گفته شد، ملاک نیست؛ یا تأویل یا توجیه یا تفسیرهای من‌عندی؛ هیچ کدام اینها درست نیست. من

من حرفم همانی است که دارم می‌گویم.
آنچه را که بر طبق مصلحت کشور و
مصلحت نظام نباید گفت، نمی‌گوئیم؛ نه
اینکه خلاف آن را بگوئیم، بعد بخواهیم در
یک جلسه‌ی خصوصی، مثلاً فرض کنید
آن خلاف گفته را تصحیح کنیم؛ نخیر،
اینجور نیست.

حرفم همانی است که دارم می‌گویم. آنچه را که بر طبق مصلحت کشور و مصلحت نظام نباید گفت، نمی‌گوئیم؛ نه اینکه خلاف آن را بگوئیم، بعد بخواهیم در یک جلسه‌ی خصوصی، مثلاً فرض کنید آن خلاف گفته را تصحیح کنیم؛ نخیر، اینجور نیست. بله، بسیاری از مسائل هست که گفتن آن بر مسئولان کشور حرام است؛ نباید بگویند. ما اگر همه‌ی آن چیزهایی را که می‌دانیم،

بگوئیم، فقط شما که نمی‌شنوید، آنهایی که دشمن شما هستند، آنها هم می‌شنوند. قطعاً این چیزی که در جلسه گفته شد، نیست؛ و بلاشک نباید برخی از مطالب را گفت. اما آنچه را که نباید گفت، نباید گفت؛ نه اینکه باید خلاف آن را گفت و در اذهان شوب ایجاد کرد؛ شائبه‌ای به وجود آورد. قبلاً این روشن باشد، معلوم باشد؛ حرف ما همانی است که از ما می‌شنوید؛ چه در نماز جمعه، چه در دیدارهای عمومی، چه در دیدارهای دانشجویی و دیدارهای گوناگون اختصاصی دیگر.

یک درخواست دیگر هم بکنم. دانشجویانی که به عنوان نخبگان علمی آمدند اینجا صحبت کردند، مطالب خوبی را گفتند؛ البته تندتند صحبت می‌کردند، من همه‌ی جزئیات را هم نشنیدم. یادداشت کردم این را بگویم به دوستان؛ خواهش می‌کنم آن چیزهایی که مورد نظرتان هست، با پیشنهادهای مشخصتان روی کاغذ بیاورید؛ هم در ذهن خودتان شکل‌یابی بیشتری پیدا می‌کند، هم آن را به ما

بدهید که ما بتوانیم اگر بناست دنبال شود، ان شاء... دنبال کنیم.

توصیه‌ی من به فضای دانشجویی و محیط دانشجویی، همین مطلبی است که عرض کردم؛ یعنی خواستن،

مطالبه کردن، داعیه داشتن؛ هم در زمینه‌ی مسائل سیاسی

و اجتماعی، هم در زمینه‌ی مسائل علمی، هم در زمینه‌ی

مسائل خاص دانشگاهی؛ همراه با عقلانیت. من از اول

انقلاب تا حالا، حتی در آن روزهایی هم که روزهای

بعضی از تحرکات نامتناسب بود و من به دانشگاه تهران

می‌آمدم و با جوانان صحبت می‌کردم، عقیده و سلیقه‌ام

همین بود که دانشجو باید از افراط و تفریط پرهیز کند؛

من با افراط کاری و زیاده‌رویهای گوناگون در هر جهتی،

موافق نیستم. با اعتدال، با روش منطقی و صحیح مسائل را

**دانشجو باید از افراط و تفریط
پرهیز کند؛ من با افراط کاری و
زیاده‌رویهای گوناگون در هر
جهتی، موافق نیستم. با اعتدال،
با روش منطقی و صحیح مسائل
را دنبال کنید و بدانید که
خواست و پیگیری شما اثر دارد.**

دنبال کنید و بدانید که خواست و پیگیری شما اثر دارد. این تصور غلط نبادا به ذهن بیاید که چه فایده

دارد؛ نخیر، کاملاً فایده دارد. اگر مثلاً شعار عدالتخواهی که حالا یک مسئولی این را بر زبان آورده،

گفته می‌شد، بعد هم تمام می‌شد، کسی در جامعه پرچم عدالتخواهی را به دست نمی‌گرفت. مطمئن

باشید یک دولت عدالتخواه و یک گفتمان عدالتخواهی مثل امروز به وجود نمی‌آمد. شماها کردید؛ کار

شما جوانها بود؛ به عنوان جنبش عدالتخواهی، به عنوان طرح مسئله‌ی عدالتخواهی - نمی‌خواهم حالا به

یک تشکیلات خاص اشاره کنم - این را در دانشگاهها جوانهای مؤمن، جوانهای متعهد، جوانهای

بامسئولیت مطرح کردند، گفتند؛ وقتی تکرار شد، به شکل یک گفتمان عمومی درمی‌آید و نتیجه‌اش را

در گزینشهای مردم، در جهتگیریهای مردم، در شعارهای مردم، در انتخابات مردم، نشان می‌دهد.

بنابراین شما یک گام جلو آمدید. من می‌بینم بعضی از دوستان دانشجو - حالا چه در این جلسه، چه

شاید بیش از این؛ در ارتباطات دیگری که با من گرفته می‌شود - نسبت به برخی از مسائل مربوط به

عدالت و رفع تبعیض و مبارزه‌ی با فساد، در ذهنشان سؤالاتی مطرح می‌شود که خوب حالا چی که

دائم گفتیم. بله، گفتید و شد؛ منتها این انتظار که همه‌ی آنچه را که ما خواستیم، در کوتاه‌مدت تحقق

پیدا کند، عملی نیست؛ در هیچ شرائطی در کوتاه‌مدت، آرمانهای بزرگ تحقق پیدا نمی‌کند. آرمانهای

بزرگ احتیاج به استمرار عمل دارد. کار را بایستی به صورت پیگیر دنبال کرد و از آن مأیوس نشد تا به

نتیجه برسد.

البته محیط دانشجویی، محیط سیالی است؛ یعنی شما امروز دانشجویید، پنج سال دیگر اغلبان دانشجو

نیستید؛ یک گروه دیگری به جای شما دانشجویند. خوب، اینجا دو تا محیط برای استمرار هست: یکی

خود شما هستید. شما بمجرد اینکه از محیط دانشجویی دانشگاه خارج شدید، یادتان نرود که در تشکل

دانشجویی، در محیط دانشجویی، در کلاس درس، در یک چنین جلساتی چه می‌گفتید، چه

می‌خواستید و به عنوان آرمان چه چیزهایی را مشخص می‌کردید؛ اینها را فراموش نکنید؛ اینها را

نگه دارید. این یک مطلب است. ما یکی از آفتهامان همین است؛ آدمها چند صباحی در محیطی قرار

می‌گیرند، رنگی به خودشان می‌گیرند، از آن محیط که دور شدند، مثل آهنی می‌شوند که از کوره

بیرون بیاوری؛ تا توی کوره است، رنگش سرخ است، وقتی بیرون آوردید، تدریجاً رنگش به سیاهی

می‌گراید؛ اینجوری نشوند. از درون بجوشید. این فکرها را در دلتان ریشه‌دار کنید.

البته - در پرازنتر عرض کنیم - راهش هم همین است که این را به ایمان دینی و به عقاید دینی وصل

کنید. آنجاست که تکلیف الهی، انسان را هیچ وقت فارغ نمی‌گذارد. آنهایی که توانستند مبارزه کنند،

آنهایی که توانستند طاقت بیاورند، آنهایی که توانستند در مقابل مشکلات سینه سپر کنند، آنها از این

دستورالعمل، از این نسخه بهره گرفتند؛ و آلا امروز شما دانشجویید و محیط دانشگاه هست و محیط

جوانی است و گرم و گیرا و عدالت و آرمانخواهی و اینها، بعد پس فردا از محیط دانشجویی که خارج

شدید، همه چیز یا دفعتاً فراموش بشود یا بتدریج فراموش بشود، این درست نیست. این یک مرکز برای

استمرار است.

مرکز دوم، خود دانشگاه است. شما امروز دانشجویید و انگیزه‌هایی هم دارید؛ خیلی هم خوب، فردا

جای شما - پنج سال دیگر، شش سال دیگر که شما دانشجو نیستید - آنهایی که می‌آیند، وارث چه

هستند؟ به تعبیر دیگر، آنها چگونه این محیط را شکل خواهند داد؟ بخشی از این کار به عهده‌ی امروز

شماست، که یکی از چیزهایی که من در اینجا یادداشت کرده‌ام که به شما دوستان عرض کنم، این